

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَيْنِ



لست كأي عاشق إليك
إني غيور سیدی عليك
لست كأي عاشق إليك
إني غيور سیدی عليك
فأنت دینی ومن یقینی
أراك سرا مصون
تهون ذاتی وللممات
الحسین لا ما یهون
العشق ویاك غیرة
غیر كل یعشقون
والجنون بحبك انته
غیر مفهوم الجنون
الیحب حسین همه
یحمل افکاره ویصون
مو یقول إنی أحبه
وخل یكون الی یكون
انت حبی مو بس فی قلبی
شمعة فی دربی دوم تضویبی
ما أقبله حب الأحملة

من برای تو مثل هر عاشقی نیستم
من روی شما غیرت دارم
من برای تو مثل هر عاشقی نیستم
من روی شما غیرت دارم
تو دین منی و از روی یقین
تو را سرّی محفوظ می دانم
به من اهانت شود اما تا زنده ام
حسین مورد اهانت قرار نگیرد
عشق به تو غیرت است
غیر از عشقی که همه دارند
دیوانگی در محبت به تو
مفهوم دیگری از دیوانگی است
کسی که حسین را دوست دارد دغدغه اش
این است که افکار او را با خود داشته باشد و حفظ کند
نه اینکه فقط بگوید من دوستش دارم
و هرگونه بود بماند
تو عشق من هستی و نه فقط در قلبم،
شمعی هستی در راهم که همیشه آنرا روشن می کنی
قبول نمی کنم عشقی را داشته باشم که

من غير أدلة عالكيف ظنوني

بدون دليل و از روی گمان آنرا برگزیده باشم

حكك الی جنن لی عقلی

عشق توست که عقل مرا مجنون کرد

یحسین یخلی بالطاعة جنونی

حسین می گذارد در عشقم مطیع خدا باشم

ما هو حلمك یتشوه اسمك

امیدت به من آن نیست که اسمت را بدنام کنم

وانته الی دمك دربی یدلینی

تو کسی هستی که خونت راه را به من نشان می دهد

سامح ظنونی إن أوهمونی بغير معنی هواك

گمان مرا ببخشای اگر عشق تو را معنای دیگری برآیم جلوه دادند

فالحب عندی صون لعهدی ان لا أجافی رضاك

عشق به نظر من پایداری بر عهدم است که پیمان بستم به رضایت تو جفا نکنم

لست كأی عاشق الیک

من برای تو مثل هر عاشقی نیستم

إنی غیور سیدی علیک

من روی شما غیرت دارم

فأنت دینی ومن یقینی

تو دین منی و از روی یقین

اراک سرا مصون

تو را سری محفوظ می دانم

تهون ذاتی وللممات

به من اهانت شود اما تا زنده ام

الحسین لا ما یهون

حسین مورد اهانت قرار نگیرد

من یقول حسین حبه ما هو علم ومعرفه

کسی که میگوید عشق حسین دانش و معرفت نیست

والیخونه فی اتباعه ما عرف معنی الوفا

و در پیروی از او خیانت می کند معنای وفا را نیاموخته

الحسین احترق شمعۃ للعقیده وما انطقی

حسین شمع می بود که برای حفظ عقیده سوخت و خاموش نشد

ومات حتی تحیا الشریعة والشریعة التوصفه

و از دنیا رفت تا دین زنده بماند و دین او را وصف می کند

حب یا غالی ما هو انفعالی

عشق به تو هیجان نیست،

وفعل ارتجالی یشلب تقدیسك

عملی بداهه نیست که تقدیس را از تو بگیرد

انت أغلی من ظنی وأعلی

تو گرانسنگ تر از گمان من هستی و بالاتر از آن هستی

یللی المنابر حوزة التدریسك

که بر منابر و در حوزه ها یاد می دهند

حب إلهی آمر أناهی

عشقی خدایی که امر و نهی می کند

لحظة ما یقبل أی وهن یجیسك

قبول نمی کند که لحظه ای ذره ای وهن به تو برسد

حب غیاری بوعی وطهارة

عشق غیوران با آگاهی و پاکی است

من الله شعاره یرفض ترجیسك

شعارش از خداست و اهانت به تو را بر نمی تابد

حب مقدس إذا تنفس سل عنه صدر الغیور

عشقی مقدس که اگر نفس بکشد، از سینه غیور در مورد آن پرس

سل عنه عابس دك الفوارس

در مورد آن از عابس پرس که جنگاوران را درهم گویند

أن لا یموت الشعور

تا شعور از بین نرود

لست كأی عاشق الیک

من برای تو مثل هر عاشقی نیستم

إنی غیور سیدی علیک

من روی شما غیرت دارم



فأنت دینی ومن یقینی

تو دین منی و از روی یقین

أراك سرا مصون

تو را سری محفوظ می دانم

تهمون ذاتی وللممات

به من اهانت شود اما تا زنده ام

الحسین لا ما یهون

حسین مورد اهانت قرار نگیرد

عابس اتحدی بجنونه فی الحسین اکبر ألم

عابس در دیوانگی و عشقش به حسین با بالاترین درد رقیب می طلبد

وسطر جنونه إلینا دروس من غیرة وقیم

جنونش برای ما درسی از غیرت و ارزش ها است

قال دمی لو تجاری یهون لعیون الخیم

گفت اگر خون من جاری شود فدای چشمان اهل خیم

ومو جنونی جنون لحظة عنها مرفوع القلم

جنون من دیوانگی ای نیست که برای لحظه رفع القلم باشد

ما یرر هالحب وبعذر

(مدعی) این عشق را توجیه نکند و بهانه نیاورد

کل شی أریده کرمان جفونه

هرچه می خواهم بخاطر اوست

لن جنونی وقف أعلى دینی

جنونم جلوی دین من نایستاده

بإفعاله راضخ لله وقانونه

با کارهایش به خدا و قانونش خاضع است

ما أشیله بأیة وسیلة

به هر وسیله ای آن را کنار نخواهم گذاشت

الغایة تجیلة یالدری عیونه

هدف اوست، ای که چشمانش مقصد من است

یالوسیلة الله ورسوله

خدا و رسولش وسیله هستند

وروح البطولة الحکمة الموزونة

و روح پهلوانی حکمت و وزین بودن می طلبد

بعض الجنون بسم الحسین قلة عشق الیه

بعضی از جنون ها به اسم حسین، ناشی از کمی عشق به اوست

والبعض منه یدود عنه بین الغیاری علیه

و برخی از آنها (که) در بین غیرتمندان به حسین (هست)، حامی اوست

لست كأی عاشق إلیک

من برای تو مثل هر عاشقی نیستم

إنی غیور سیدی علیک

من روی شما غیرت دارم

فأنت دینی ومن یقینی

تو دین منی و از روی یقین

أراك سرا مصون

تو را سری محفوظ می دانم

تهمون ذاتی وللممات

به من اهانت شود اما تا زنده ام

الحسین لا ما یهون

حسین مورد اهانت قرار نگیرد

عالمنا یرنا أخذنا عهد لا مانفترق

با وجدانهایمان عهد کردیم که متفرق نشویم

عشق غیره العجالمک یقدس ألوان العشق

عشق غیرتمند به زیبایی ات، تو مقدس ترین رنگ عشق هستی

یا حسین اندود عنک فی الزمن لو نخرق

ای حسین همیشه از تو حمایت می کنیم حتی اگر بسوزیم

خل یشوف العالم الی یریده العاشر صدق

بگذار تا کل عالم ببینند در روز عاشورا چه کسانی واقعا او را می خواهند

عهد الینا نبایع ولینا

عهدهی بر ماست که با ولی خودمان بیعت می کنیم

یبقی علینا ونفنی ابتوفیته

بر ما می ماند و آنرا نمی شکستیم



خل نواصل قول وفعایل

ربانا یومه و تحفظ تربیته

حب لذاته والتضحیاته

ایصونه ابماته ینفذهها وصیته

یا حیاتی وکل شیء فی ذاتی

یرغمنی أمشی بدرب الی مشیته

ان تنسبونی عبد الحسین فالعبد للسید

کلی الیه طوع یدیة مالا مر طوع یدی

لست کأی عاشق الیک

ینی غیور سیدی علیک

فأنت دینی ومن یقینی

أراک سرا مصون

تهون ذاتی وللممات

حسین لا ما یهون

بگذار با گفتار و رفتارمان آنرا نشان دهیم

او خودش ما را با عشقش بزرگ کرد و ابن تربیت را حفظ می کنیم

عشق به او و فداکاریهایش

با مرگش از آن حفاظت می کند و وصیتش را اجرا می کند

ای زندگی من و تمام آنچه دارم

مرا وادار می کند در راهی که قدم گذاشتی راه بروم

اگر مرا بنده ی حسین بخوانید درست است چون بنده برای آفایش است

همه چیزم از اوست و به دست اوست و این موضوع دست من نیست

من برای تو مثل هر عاشقی نیستم

من روی شما غیرت دارم

تو دین منی و از روی یقین

تو را سری محفوظ می دانم

به من اهانت شود اما تا زنده ام

حسین مورد اهانت قرار نگیرد

با صدای: مداح اهل بیت

حاج حسین اکرف

ترجمه: محمود علوی

moodkerbes.info

